

گفتمان هندسه قدرت در معماری ناجای آینده

مصطفی ساوه‌درودی^۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۱

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا / سال دوم / شماره سوم - بهار ۱۳۹۶

چکیده

هدف نوشتار پیش‌رو تبیین گفتمان هندسه قدرت در معماری ناجای آینده در پاسخ به این پرسش است که نقطه کانونی گفتمان هندسه قدرت در معماری ناجای آینده چیست؟ فرضیه خود را بر این قرار داده که نقطه کانونی گفتمان هندسه قدرت در معماری ناجای آینده مشروعیت‌بخشی به اقدامات و وظایف محوله است که بار معنایی امنیت‌سازی را به‌عنوان دال مرکزی در نظر، با توجه به سه محور مدیریت جهادی، سرمایه اجتماعی و قانون‌مداری و در عمل، با همراه ساختن دیگر دال‌ها شامل اعتمادسازی، معنویت‌سازی و رفتارسازی، زنجیره هم‌ارزی گفتمان ناجا را در معماری آینده این نیرو ترسیم می‌کند.

روش مقاله توصیفی-تحلیلی و نوع آن بنیادی-کاربردی است. روش گردآوری اطلاعات با تمرکز بر شیوه سندکاوی و با بررسی متون موجود انجام می‌شود. نتایج حاصل از بررسی حاکی از آن است که گفتمان‌سازی و معرفی جنبه‌های مختلف معماری ناجای آینده نیازمند ساخت منظومه فکری مناسب با تمرکز بر ایمان، عدالت و ولایت‌مداری به‌عنوان عناصر مشروعیت‌ساز از طریق توجه به شرایط گذشته (آنچه بود)، بررسی شرایط فعلی (آنچه هست) و تلاش برای قرارگرفتن در وضعیت مطلوب (آنچه باید باشد) به دست خواهد آمد. وضعیت مطلوب، زمانی است که نقش ناجا را در ترسیم نظام معنایی هندسه قدرت در بین کنشگران امنیت‌ساز با همراه کردن دال‌های اعتمادسازی، معنویت‌سازی و رفتارسازی برجسته خواهد کرد.

واژگان کلیدی

ناجا، هندسه قدرت، معماری، گفتمان، امنیت

۱. استادیار دانشکده علوم و فنون فارابی.

مقدمه

قدرت بدون معنویت، وصول به کمال انسانی را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند. اینکه غرب و نظام سلطه در طول تاریخ در همین چالش قرار دارند، از همین نگاه نشئت گرفته است. نگاه مادی‌گرایی در هندسه جدید قدرت جهانی، تلاش برای رسیدن به نوعی لیبرال-دمکراسی غربی راه مبتنی بر توسعه‌طلبی، در کانون هندسه جدید قدرت قرار داده و معماری آینده جهانی را در همین نگاه پی می‌گیرد.

در تقابل با این توسعه‌طلبی، هندسه قدرت در حاکمیت اسلامی از تفاوتی ماهوی با اندیشه حاکم بر نظام سلطه برخوردار است. نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان مظهر حکومت اسلامی، طلیعه‌دار اندیشه‌ای است که در پی استقرار ارزش‌های دینی و اسلامی است. این تلاش به دلیل تقابل با اندیشه نظام سلطه با چالش‌هایی روبه‌رو شده که نیازمند تدوین راهبردی مقاوم و مطلوب در برابر توسعه‌طلبی ناشی از عملکرد نظام سلطه است. نیروی‌های نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان حافظان امنیت ملی کشور، برای دفاع از ملت، تمامیت ارضی، استقلال و ارزش‌های اسلامی و دینی نقش مهم و اساسی را در این راهبرد برعهده دارند که یکی از این بخش‌ها مربوط به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) است. برای رسیدن به هدف مطلوب در ناجا، نخست، تصمیم‌سازان، مسئولان و فرماندهان ناجا و سپس، مراکز راهبردی این نیرو مهم‌ترین نقش را برعهده دارند. تدوین این راهبرد برای رسیدن به معماری مطلوب ناجای آینده مستلزم آگاهی از شرایط حاکم بر محیط داخلی، نظام بین‌الملل و شناخت از آسیب‌ها و تهدیدات مترتب بر ملت و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران با نگاه بر ارزش‌ها و باورهای دینی و معنوی برآمده از آرمان‌های نظام اسلامی است. به‌همین دلیل، نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از ارکان امنیت‌ساز در نظام جمهوری اسلامی ایران نیازمند تولید نظریه قدرت در چهارچوب احکام اسلامی و مبتنی بر مأموریت واگذاری به این نیرو است. به نظر می‌رسد در تولید این نظریه ساخت منظومه فکری مشخص، مستحکم و الهام‌بخش در حوزه امنیتی، می‌تواند استحکام‌بخش سازواره‌های نظام معنایی گفتمان امنیت‌ساز در ناجا را شکل دهد. رسیدن به این هدف و ترسیم منظومه فکری براساس آرمان‌های الهی و دینی نظام اسلامی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیازمند تدبیری شایسته و تفکری برنامه‌ریزی شده است که می‌تواند براساس باورها و ارزش‌های دینی مبتنی بر تدابیر و اوامر فرمانده معظم کل قوا نظام معنایی هندسه قدرت در ناجا را معماری و ساماندهی کند.

بیان مسئله

بی‌شک، محور اصلی سازه‌های تشکیل دهنده هندسه قدرت در حوزه امنیتی - دفاعی، نیروهای هستند که این مهم با توجه به آرمان‌های هر حاکمیتی با دیگران تفاوتی ماهوی دارد. نظام جمهوری اسلامی ایران در گذری نزدیک به چهل سال از گذشت انقلاب اسلامی در پراکنش منازعات امنیتی، که محصول سازه‌های ذهنی ناامنی‌ساز در حوزه داخل و خارج بوده، با استعانت از الطاف الهی و رهبری هوشمندانه امام خمینی^(ع) و فرمانده معظم کل قوا، امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، تجربه هندسه‌سازی قدرت را کسب کرده و تلاش‌های ارزشمندی را برای ساخت معماری آینده در نیروهای مسلح به کار گرفته است. با وجود این، به نظر می‌رسد معماری آینده برای ساخت سازه‌های تشکیل دهنده امنیت، هنوز نیازمند توجهی شایسته در حوزه دفاعی - امنیتی برای استحکام‌بخشی به هندسه قدرت برای نیروهای مسلح و از جمله ناجا باشد. با عنایت به این مهم به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسئله برای ناجا، به‌عنوان محور تأمین امنیت عمومی، معماری هندسه قدرت در حوزه مأموریتی این نیرو است و نیاز به قرائتی جدید در تدوین راهبرد امنیتی دارد. از نگاه نویسندگان این سطور چهارچوب روشی این قرائت می‌تواند، مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی و اندیشه‌های ولایت فقیه، معماری ناجای آینده را ترسیم کند. به‌همین دلیل، مقاله پیش‌رو تلاشی برای رسیدن به این هدف و کاربست عملی تدوین گفتمان امنیت‌ساز برای ناجا در هندسه قدرت را مد نظر قرار داده که امید است مورد توجه قرار گیرد.

هدف

تبیین و شناخت نقطه کانونی گفتمان هندسه قدرت در معماری ناجای آینده.

سؤال

نقطه کانونی گفتمان هندسه قدرت در معماری ناجای آینده چیست؟

فرضیه

نقطه کانونی گفتمان هندسه قدرت در معماری ناجای آینده مشروعیت‌بخشی به اقدامات و وظایف محوله است که بار معنایی امنیت‌سازی را به‌عنوان دال مرکزی در نظر، از طریق توجه

به سه محور مدیریت جهادی، سرمایه اجتماعی و قانون‌مداری و در عمل، با همراه کردن دیگر دال‌ها شامل اعتمادسازی، معنویت‌سازی و رفتارسازی، زنجیره هم‌ارزی گفتمان ناجا را در معماری آینده این نیرو ترسیم می‌کند.

روش تحقیق

این تحقیق توصیفی-تحلیلی و نوع آن کاربردی-بنیادی است و مبتنی بر رهیافت گفتمان ارائه می‌شود. جمع‌آوری داده‌ها به روش سندکاوی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای است.

ضرورت و اهمیت

امنیت‌سازی برای تمام کشورها، به‌ویژه کشورهایی که در مناطق مستعد ناامنی قرار دارند، مهم‌ترین مسئله و دغدغه حاکمیت است. به‌همین دلیل، در هندسه قدرت، قلمرو و حوزه قدرت دقیقاً منطبق با قلمرو حاکمیت است. بدون وجود قدرت اصولاً وجود حاکمیت تصورشدنی نیست، زیرا ساده‌ترین و درعین حال، محکم‌ترین تعریف حاکمیت، معادل برخورداری از قدرت است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل تعارضات شدید گفتاری و رفتاری نشئت گرفته از سازه‌های ذهنی تقابلی با حاکمیت اسلامی با ناامنی‌های متعددی روبه‌رو بوده که محصول آن چالش‌های تأثیرگذار در حوزه امنیت بوده است.

عبور از این چالش‌ها نیازمند طراحی هندسه قدرت برای ساختارهای تشکیل دهنده امنیت‌ساز در جمهوری اسلامی ایران است. ازجمله حافظان اصلی این امنیت در نیروی مسلح کشور، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است که به‌عنوان بازوی کارآمد حاکمیت در حراست و حفاظت از آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در لایه نخست قدرت امنیت‌ساز، مأموریت حساس امنیت جامعه را برعهده داشته و اصولاً ملت نیز مطالبات امنیتی خود را در گام نخست از ناجا طلب می‌کنند. این دلیل، می‌طلبد تا با نگاهی ویژه گام‌های امنیت‌ساز در این نیرو با ترسیم هندسه قدرت مورد توجه قرار گرفته و به گفتمانی استحکام‌بخش در حوزه امنیت تبدیل شود.

پیشینه تحقیق

در بررسی‌های انجام شده محقق با سه دسته از منابع مرتبط با این مقاله برخورد کرده است: دسته نخست، منابعی است که به مفهوم امنیت توجه داشته‌اند. این کتاب‌ها بیشتر جنبه کلاسیک و تئوری داشته و خالی از بیان مفاهیم کاربردی است که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب‌های ترجمه شده چهره متغیر امنیت ملی رابرت ماندل، مردم، دولت‌ها و هراس باری بوزانو در بین کتاب‌های داخلی به کتاب تهدیدات امنیت ملی علی عبدالله خانی و کالبد شکافی تهدید اصغرافتخاری اشاره داشت؛

دسته دوم کتاب‌های تاریخی بوده که بیشتر به تحولات امنیتی ایران ناشی از عملکرد گروه‌های سیاسی معاند و مخالف حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و همچنین، عملکرد نظام سلطه در ایران اسلامی پرداخته است. این کتاب‌ها منبع خوبی برای شناخت از تهدیدات مترتب بر امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران است، ولی به حوزه کارکرد نیروهای مسلح ایران توجهی نشده است. در این بین، می‌توان به کتاب‌هایی چون اسلام سیاسی در ایران نوشته محمد حسینی‌زاده، جریان‌های فکری - سیاسی ایران معاصر نوشته مصطفی ساوه‌درودی، ایران در تندباد خارجی نوشته هوشنگ مهدوی اشاره کرد؛ دسته سوم، منابعی است که بیشتر به صورت مقاله به موضوع راهبردهای امنیتی و عوامل استحکام قدرت توجه داشته است که این مهم افزون بر ارائه در همایش‌ها، از جمله همایش استحکام درونی قدرت در دانشگاه دفاع ملی در سال ۱۳۹۴، در اسناد بالادستی و در شیوه‌نامه‌های ابلاغی نیز آمده است، ضمن اینکه بررسی‌های تحقیقاتی نیز در حوزه معماری نیروهای مسلح در مراکز راهبردی این نیروها، از جمله ستادکل، انجام شده است. با وجود این، به دلیل کلی بودن موضوع و نداشتن الگوی راهبردی نقایصی بسیاری داشته و نیاز نیروها را برآورده نکرده است.

نوآوری پژوهش پیش‌رو در آن است که به هر سه دسته از موضوعاتی که در این منابع به آن اشاره شده توجه داشته است. با این تفاوت که، به‌طور خاص، به مأموریت نیروی انتظامی در حوزه امنیت، با هدف ارائه الگوی هندسه قدرت براساس رویکرد گفتمان‌محور، توجه داشته و برای تکمیل مطالب ضمن توجه به مبانی دینی و اسلامی، کوشیده تا با ورود به مباحث مدیریتی و با در نظر گرفتن نوع مأموریت و وظایف ناجا در حوزه‌های امنیتی، مؤلفه‌های اثرگذار در ترسیم معماری آینده ناجا را از باتوجه به اندیشه‌های فرمانده معظم کل قوا، حضرت امام‌خامنه‌ای^{مدظله‌العالی} احصا و مدل دلخواه و مطلوب برای این معماری را ارائه دهد.

چهارچوب مفهومی نظریه گفتمان

گفتمان منظومه‌ای از واژه‌ها و نشانه‌هایی است که در پیوند باهم، مجموعه‌ای معنادار را می‌آفریند. نشانه‌های گفتمانی بیشتر در اطراف یک دال مرکزی سامان‌دهی می‌شود. دال مرکزی نشانه‌ای است که دیگر نشانه‌ها در پیوند با آن معنا پیدا می‌کنند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۳)، مانند امنیت که دال‌هایی چون قدرت، آزادی، قانون و مشارکت سیاسی در پیوند با آن معنا می‌یابد. به‌همین دلیل، گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌ها را در زنجیره‌ای هم‌ارز کنار هم قرار داده و به آن معنا می‌بخشد (حقیقت، ۱۳۸۸: ۳۲۳). هرگاه این زنجیره هم‌ارزی دچار واگرایی شود، دال مرکزی می‌تواند آسیب‌پذیر شود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۳). بی‌قراری اجتماعی عامل تحول‌بخش گفتمان‌هاست که می‌تواند عامل اصلی ناامنی در جوامع باشد. راه غلبه بر این ناامنی نیز با ظهور گفتمان جدید و ظهور نظریه‌های مناسب با شرایط جامعه امکان‌پذیر است. اگر جامعه (سازمان) توان ارائه نظریه جدیدی برای حل یک موضوع را نداشته باشد، با گذشت زمان، دچار آشوب و ناامنی شده و درنهایت، با بحرانی فراگیر روبه‌رو خواهد شد. در فضای بحرانی، گفتمانی می‌تواند توفیق غلبه بر مشکلات را به دست آورد که از اعتبار و قابلیت دسترسی برای عموم مردم برخوردار باشد. مفهوم اعتبار آن است گفتمان در نزد عموم جامعه از منزلت بالاتری نسبت به دیگر موضوعات داشته باشد و قابلیت دسترسی نیز آن است که عامه مردم به سهولت امکان دسترسی به آن را داشته باشند.

در هندسه قدرت، نقطه کانونی گفتمان امنیتی در سازمان‌های امنیت‌ساز جمهوری اسلامی ایران، ساخت نظام‌واره‌ای امنیتی براساس اعتبار و در دسترس بودن است. باورهای دینی و ارزشی در حکومت اسلامی مرکز ثقل اعتبار و دسترسی توده به اندیشه‌های اسلامی و فرموده‌ها و اندیشه‌های دینی و ارزشی مورد توجه ولایت فقیه در حکومت اسلامی برای رسیدن به امنیت، نبض در دسترس بودن است. در هر دو مورد اندیشه اسلام ناب محمدی (ص)، تدابیر و فرموده‌های ولی فقیه عامل استحکام‌بخش هندسه قدرت برای امنیت‌سازی در منظومه فکری و هندسه معرفتی براساس سه محور ایمان، عدالت و فضیلت به عنوان پایه‌های مشروعیت‌سازی اقدامات امنیتی است. دیالوگ برآمده از این اندیشه در حوزه امنیت، زنجیره هم‌ارزی این گفتمان را شکل داده و به‌عنوان دال مرکزی می‌تواند لایه‌های معماری هندسه قدرت را در بُعد امنیتی ترسیم کند. براین اساس، واژه امنیت برآمده از هندسه قدرت، براساس سه محور تشکیل دهنده این منظومه یعنی ایمان، عدالت و ولایت‌مداری را می‌توان در گفتمان امنیت‌ساز ناجا به عنوان مرکز ثقل و نقطه کانونی مشروعیت‌سازی اقدامات امنیت‌ساز، در معماری قدرت در ناجا دانست.

شناخت مفاهیم تأثیرگذار در هندسه قدرت

معماری: بار معنایی این واژه در ابتدا در علوم مهندسی ساختمان مطرح و در ادامه این مفهوم در علم مدیریت برای نخستین بار، در جامعه علمی امریکا مطرح و در پی آن در مراکز اجرایی این کشور، با هدف افزایش بهره‌وری سازمانی در مأموریت‌های سازمان، به کار گرفته شد. دلیل اصلی این رویکرد به دنبال تحول در فناوری اطلاعات، تحولات سریع محیطی، حمایت همه‌جانبه از سامانه‌های اطلاعاتی، همکاری جامع سازمانی، استفاده بهینه از منابع بود که تحول در تفکرات راهبردی را رقم زد. تغییر در سمت‌وسوی تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها از جمله مهم‌ترین دلایلی بود که اهمیت مفهوم معماری را در اداره سازمان‌ها دوچندان کرد. قانون مشهور به کلینگر - کوهن به این مفهوم قابلیت اثربخشید و همه سازمان‌های امریکایی با ورود به عرصه ساخت معماری برای سازمان‌ها، علم جدید قدرت‌یابی را مطرح کردند. این مفهوم به تدریج، به عنوان یک علم وارد ادبیات علوم انسانی در حوزه بررسی مسایل اجتماعی - سیاسی و در نهایت، امنیتی شده و با هدف انطباق‌پذیری مناسب با شرایط پیچیده محیطی، زنده و پویا نگه داشتن سازمان، هماهنگی و همسوسازی بخش‌ها و مأموریت‌ها با هدف یکپارچه‌سازی و ایجاد سازمانی یکدست در سطوح مختلف راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی در حوزه معماری قدرت مورد توجه قرار گرفت.

قدرت: قدرت در فرآیند تحول جامعه انسانی چهره‌های مختلفی را به خود گرفته است. قدرت را اندیشمندان و پژوهشگران سیاسی و اجتماعی از زوایای گوناگون تعریف و تجزیه و تحلیل کرده‌اند. «راسل^۱» قدرت را ایجاد اثرهای مورد نظر، «ماکس وبر^۲» قدرت را تحمیل اراده خود بر دیگران، «رابرت دال^۳» قدرت را به معنای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران، «توماس هابز^۴» قدرت را به معنای توانایی دولت در کنترل جامعه، «جوزف نای^۵» قدرت را دانایی محوری در عصر اطلاعاتی می‌دانند (ر. ک. به لوکس، ۱۳۷۵: ۲۱؛ هابز، ۱۳۸۱: ۳۲؛ نای، ۱۳۹۲: ۲۱). قدرت به واسطه ربط وثیق با امنیت در مفهومی به نام قدرت ملی بیشترین کاربرد را در هندسه قدرت پیدا کرد. در این مفهوم جمع توانایی‌های بالقوه و بالفعل (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری) یک ملت در دفاع از منافع موجود سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، تکنولوژی و ایدئولوژیکی

1 .Rasell. B

2 .Veber. M

3 .Dall. R

4 .Habez. T

5 .Nay. J

قدرت ملی کشور تلقی می‌شود. این توانایی در صورتی امکان ظهور در عرصه رقابت را به دست خواهد آورد که مبتنی بر ساخت سازه‌هایی استحکام‌بخش متناسب با اندیشه‌های نظام حاکم و ایدئولوژی برآمده از مکتب باشد. این موارد در صورتی که با اندیشه‌های ارزشی و باورهای دینی همراه شود، می‌تواند با داشتن رهبری دوراندیش و افق‌گرا خواسته‌های حاکمیت را در حوزه دفاع از امنیت و تأمین رفاه عمومی، به‌عنوان فلسفه اصلی تشکیل حکومت، تأمین کند. مدیریت صحیح منابع و امور کشورداری با به کارگیری نهادهای کارآمد و توانمند، از جمله نهادهای اطلاعاتی، نظامی و انتظامی از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار در تأمین قدرت و رسیدن به اقتدار به‌عنوان عامل مشروعیت‌ساز قدرت است که در کنار مباحث ارزشی می‌تواند در معماری آینده قدرت نقش بی‌بدیلی داشته باشد.

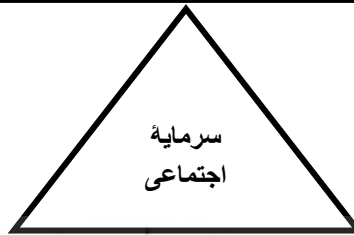
سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی را می‌توان نوعی معماری قدرت نامید. این مفهوم، برخلاف سرمایه مادی که مشتمل بر عناصر کمی است، ناظر به ارزش کیفی برای کار است (گروتات، ۲۰۰۲: ۱). برخی ویژگی‌های اجتماعی نهادها و سازمان‌ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی را سرمایه اجتماعی می‌دانند (putnam, 2005: 67) و برخی سرمایه اجتماعی را قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط با یکدیگر و شاکله ساختاری روابط میان فعالان اجتماعی تعریف می‌کنند (Coleman, 1993: 92). فوکویاما سرمایه اجتماعی را به‌عنوان مجموعه بعضی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرده و معتقد است هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، به‌طور اساسی، باید شامل سجایای صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند (Fukuyama, 1999: 32). درنهایت، عده‌ای سرمایه اجتماعی را میزان هم‌گونی توزیع سلامت در نواحی جغرافیایی یک منطقه و همچنین، فرهنگ اعتمادسازی می‌دانند که در آن شبکه‌ها، ارتباطات وسیع و سازمان‌های داوطلبانه شکل می‌گیرد (Kawachi and Kennedy, 1997: 103).

براین اساس، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی بر دو محور ساختاری شامل سازه‌های عینی و ملموس و دیگری محور معرفتی با تمرکز بر شاخص‌هایی چون ارزش‌ها و هنجارها و باور مشترک افراد یک جامعه و سازمان قرار داشته و تضمین‌کننده مشارکت و همبستگی مردم و ثبات سیاسی جامعه است. این دو این امکان را برای شهروند فراهم می‌کند تا مسایل جمعی را بهتر درک کنند و در اجرای مسئولیت خود کوشاتر باشند. چنانچه این روند در مجرای

صحیح خود قرار گیرد، اعتمادسازی دوطرفه بین نهادهای حاکمیتی و توده تقویت و باتوجه به درک متقابل طرفین، هدایت و اثرگذاری رفتار اجتماعی و سیاسی در مسیر تأمین امنیت و تقویت مؤلفه‌های قدرت هموار می‌شود.

جنبه‌های ساختاری

جنبه‌های معرفتی



استحکام قدرت: این مفهوم به معنای در هم تنیدگی لایه‌های تأثیرگذار بر افزایش قدرت است که عوامل متعدد محیطی در آن نقش محوری داشته و با ساخت حکومتی و ایدئولوژی حاکم بر کشور ارتباطی مستقیم دارد. در نظام‌های غربی، به دلیل حاکمیت اندیشه لیبرالیستی، این مهم برآمده از اندیشه مادی‌گرایی و مبتنی بر اصل فایده‌گرایی و منفعت‌طلبی است، ولی در نظام اسلامی ایران محور اصلی این استحکام براساس داشته‌های دینی و الهی است که شاکله اصلی استحکام قدرت در نظام جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد. فرمانده معظم کل قوا، حضرت امام خامنه‌ای ^{مدظله العالی} با اشاره به این دو محور، در بازتعریفی از جنبه‌های معرفتی به آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و می‌فرمایند: «عناصر اصلی و اساسی جهت ساخت اقتدار درونی شامل عقل، معنویت، توکل، حرکت و عمل است (۱۳۹۲/۶/۲۰). استحکام ساخت نظام به معنای تحکیم بنیان‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نظام است. رویکرد ساخت درونی با اتکا به ظرفیت‌های نیروهای داخلی است. در واقع، اتکا به درون، عزت ملی و استقلال در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی - دفاعی بر مبنای مکتب اسلام و هویت ملی است (۱۳۸۱/۳/۷).

براین اساس، می‌توان گفت در حکومت اسلامی مبانی دینی رکن و مرکز ثقل استحکام هندسه قدرت است و ساخت منظومه فکری معنویت‌ساز از طریق تمرکز بر ایمان، عدالت و

ولایت‌مداری حاصل می‌شود. این مهم در صورتی که متکی به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های درونی نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی اندیشه و ایدئولوژی اسلامی، باشد از ثبات، استمرار، پایداری و اطمینان‌بخشی بیشتری برای ساخت مهندسی قدرت برخوردار خواهد بود. براین اساس، می‌توان گفت مشروعیت‌سازی به عنوان نخستین لایه امنیت‌ساز در هندسه قدرت در معماری آینده طبق شکل زیر به دست می‌آید:



امنیت‌سازی: در نگاه کلی امنیت با دو مفهوم سلبی و ایجابی معنا می‌شود. در سلبی به معنای نبود تهدید و در ایجابی به معنای آرامش تعریف شده است (ر. ک. به لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۱۴). نگاه نخست در مفهوم سنتی دنبال می‌شد و بیشتر رویکردی سخت‌افزاری داشت، ولی در دوران جدید امنیت با رویکردی نرم‌افزاری مورد توجه قرار گرفت. در نگاه سنتی امنیت‌سازی وزن نظامی داشت و رویکرد سخت‌افزاری را مد نظر قرار می‌داد (تافلر، ۱۳۷۰: ۴۳). در دوران پساستی امنیت‌سازی با رویکردی نرم‌افزاری مورد توجه قرار گرفت و طراحی الگوی امنیت و همچنین، سیاست‌های اجرایی بر محور مشروعیت‌سازی از طریق فرهنگ‌سازی مد نظر قرار گرفت. به‌هرحال، تحولات زندگی و رشد روزافزون صنعت و تکنولوژی در زندگی انسان، ابعاد تازه‌ای از امنیت را در کانون توجه خود قرار داد که در مقام مقایسه با گذشته قیاس‌شدنی نیست؛ به‌همین دلیل، می‌گویند، امنیت زمینه‌وند است (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۵). من باب مثال، تکنولوژی درعین حال که در چهارچوب توسعه، امکانات آسایشی بهتر و بیشتری را برای مردم فراهم ساخته، اما در عمل می‌تواند تهدیدی برای امنیت فرهنگی باشد (Lodgard: 1987: 3). امنیت‌سازی در چهارچوب مشروعیت‌سازی بر مبنای مفاهیم ارزشی و هنجاری جامعه‌گفتمان‌سازی مطلوب را به معنای رسیدن به آرامش مد نظر قرار داد. به‌هرحال، برداشت‌ها از مفهوم امنیت و چگونگی ایجاد آن به بروز منازعات و کنش‌های گفتاری و رفتاری در جوامع منجر شد که کمترین محصول آن لرزش‌های امنیتی در تأمین امنیت ملی و ضربه‌پذیری در سیر تحول زندگی و ساخت جامعه‌ای به دور از درگیری است. با وجود باور انسان به اهمیت وجودی امنیت برای بقا، این مهم، به واسطهٔ زیاده‌خواهی‌های

انسان، با چالش‌های جدی روبه‌رو شد که کمترین ثمره آن کاهش ضریب امنیتی جوامع بوده است. این باعث شد تا امنیت‌سازی به‌عنوان یکی از ارکان محوری بقای حاکمیت مورد توجه قرار گرفته و تلاش‌ها برای رسیدن به الگویی مطلوب، معطوف به امنیت‌سازی شود. تغییر در ساختارهای حکومتی و ایجاد نهادهای امنیت‌ساز برای رسیدن به این هدف و تحول رفتاری در اندیشه و عمل توده برای رفتارسازی مطلوب در همین‌زمینه صورت گرفت.

رفتارسازی: این مهم را باید در دو محور مورد توجه قرار داد: بُعد نخست، مربوط به مسایل درون‌سازمانی و بُعد دوم، برون‌سازمانی است. در حوزه درون‌سازمانی این اقدام با توجه به مأموریت سازمان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. سازمان‌ها به واسطه نوع مأموریت خود نیازمند به قطعیت در اجرای امور هستند که در آن افراد سازمان مصمم، تهاجمی، صریح و رک‌گو می‌باشند (Javidan & House, 2001, p. 293). سازمانی که در آن قطعیت بالاست، افراد به رقابت تشویق شده و نگرش غالب مبتنی بر توانایی انجام کار در سازمان بوده و اعتقاد بر این است که پیروزی در پرتو تلاش به دست می‌آید (Joy & Kolb, 2008: 52). مشروعیت این مهم با توجه به اندیشه‌های ارزشی جامعه و حاکمیت تفسیرپذیر است. این مهم در نظام اسلامی بر محور ایمان به ارزش‌های اسلامی است که رفتارسازی درون‌سازمانی را استحکام بخشیده و افراد به دلیل ایمان به این ارزش‌ها با رفتار خود اعتماد درون‌سازمانی را افزایش خواهند داد. در بُعد برون‌سازمانی رعایت عدالت در اجرای اقدامات و فضیلت به معنای تقدم خیر عمومی بر خیر فردی، راه سازمان را در رسیدن به هدف هموار خواهد کرد. فضیلت با نگاه بر رعایت عدالت در مأموریت سازمانی تبلور ساز احساسات صادقانه در طرف مقابل است (Anderson, 1994, 154). تلاش صادقانه، ایثارگری و گذشت، لایه‌های محوری در فضیلت‌سازی است که در کنار قاطعیت می‌تواند در تحکیم اندیشه‌های اعتمادساز با توده نقش اساسی داشته باشد. رفتارهایی مانند دوست داشتن، ادب و نزاکت، منجر به تقویت روابط بین افراد و جامعه شده و به‌طور مستقیم، در افزایش اعتمادسازی بین توده و سازمان نقش دارد. محور اساسی در این اقدام، درستکاری و صداقت است که اعتمادسازی را تقویت کرده و نقشی اثرگذار در بقای حرکت سازمان خواهد داشت (Robbins, 2005: 145).

اعتمادسازی: به معنای برقراری ارتباط و تحقق همکاری میان افراد یک سامانه موضوع محوری سازمان و عامل کلیدی همکاری سازمانی است (Tyler, 2003: 32). اعتمادسازی به تسهیم اطلاعات و توانمندسازی سازمان و کارکنان منجر شده و میل به تلاش‌های صادقانه را افزایش می‌دهد. در واقع، اعتمادسازی به دلیل همکاری سازمانی برای رسیدن به هدف، رسیدن به راهبردهای سازمانی را تضمین می‌کند (McAllister, 1995:2). اعتمادسازی روح تیمی را ایجاد و ضمن محافظت از آن نقش کلیدی را در افزایش روابط سازمانی ایفا می‌نماید (Velez,sanchez, & Alvarez-Dardet, 2008,96). در اعتماد سازمانی افراد ادراک مثبتی نسبت به سازمان پیدا کرده و داوطلبانه در تعامل با سازمان می‌کوشند (Cazier etal. 2007: 59). این درک مثبت ناشی از باور به شایستگی، نوع دوستی و امانت‌داری در سازمان مورد نظر بوده و می‌تواند در تسهیل بخشی به تعاملات اجتماعی نقش مهمی داشته باشد. سه نوع اعتماد در تسهیل مبادلات سازمانی و توده وجود دارد: نخست، اعتماد مبتنی بر فرآیند است که اعتماد را از طریق فرآیند تعادل اجتماعی و تجربه میان سازمان و مشتری، که همان مردم هستند، تحریک می‌کند. دومی، اعتماد نهادی است که محصول آن به ارزش اعتماد در سازمان اعتماد کننده منجر خواهد شد و سومی، اعتماد مبتنی بر ویژگی شخصیتی است که به وسیله احساس مشترک در بین اعضای سازمان گروه بیرونی را به سمت آنان را جذب می‌کند (Velez, 2000: 132).

نخستین گام در اعتمادسازی مربوط به لایه‌های درونی سازمان و در نیروهای مسلح مربوط به حوزه فرماندهی است. کم‌توجهی در مورد شناخت لازم و کافی از تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها، حمله‌ها و تبلیغات روانی حریف علیه قدرت استحکام‌بخش قوای مسلح، یعنی همان ارکان و مبانی دینی، را با چالشی جدی در حوزه اجرای مأموریت رویارو ساخته و به دلیل ناکارآمدی در رسیدن به هدف، اعتمادسازی درون سازمانی را در بین کارکنان و در برون سازمانی اعتماد نسبت به نهاد امنیت‌ساز را در بین توده مردم تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل، انتصاب فرمانده لایق بسیار اهمیت داشته و یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در افزایش بهره‌وری و بهینه‌سازی اقدامات محسوب می‌شود. عناصری در این مقوله می‌توانند موفق باشند که ویژگی‌های لازم روحی، روانی، بینش، قدرت، تصمیم‌گیری، خلاقیت، رهبری، خوش‌خلقی، تعهد، تقوا، دانش کاری و... را داشته باشند. شاید جمع همه این موارد دشوار باشد، ولی توجه به آن ضروری است. در حوزه بیرونی اعتمادسازی، با توجه به سازه‌های تأثیرگذار بر لایه‌های امنیت‌ساز مورد توجه است. این سازه بر محور عدالت‌طلبی و عدالت‌خواهی منشأ اعتمادسازی بین توده

و نهادهای دولتی مأمور در حوزه امنیت‌سازی است. ربط وثیق بین لایه‌های داخلی و بیرونی اعتمادسازی را در قالب رابطه دو طرفه برجسته خواهد کرد.

شناخت ابعاد اساسی هندسه قدرت در ناجا

ابعاد اساسی هندسه قدرت در ناجا به‌عنوان سازه‌های تشکیل دهنده معماری ناجای آینده براساس مبانی دینی و ارزشی، موارد اعلامی در قانون اساسی و تدابیر رهبری، قابل استنتاج و الگوسازی است. در این الگو امنیت‌سازی به‌طور قطع، مرکز ثقل و نماد برجسته و بارز مأموریت ناجا را تشکیل می‌دهد و به‌عنوان دال مرکزی زنجیره هم‌ارزی استحکام‌بخش در حوزه مأموریتی این نیرو را تشکیل داده و دیگر دال‌ها را در کنار خود به‌عنوان مقوم سازه‌های امنیت‌ساز به کار می‌گیرد. براساس آنچه که در مبانی نظری به آن اشاره شد، می‌توان زنجیره هم‌ارزی مطلوب در ساخت هندسه قدرت ناجای آینده را حول محور مرکزی امنیت‌سازی به شرح زیر مورد توجه و بررسی قرار داد:

امنیت‌سازی: امنیت در چهارچوب تعریفی خود اصول ثابت و مشخصی دارد و همان‌طور که اشاره شد، به معنای نبود تهدید یا رسیدن به آرامش معنا شده است. باوجوداین، امنیت در چهارچوب فرهنگ، قانون و آرمان‌های حاکم بر کشور، در جوامع گوناگون تفاوت‌های مفهومی خاصی دارد. به‌همین دلیل، ساخت امنیت را باید در نوع نگرش‌های حاکم بر جوامع نیز مورد توجه قرار داد. نگرش‌ها، به‌طور معمول، برگرفته از ایدئولوژی حاکم بر کشور، نگاه نخبگان و نهادهای رسمی (حکومتی - غیر حکومتی) است. ایدئولوژی تعیین‌کننده راه و روش حکومتی، نخبگان به‌عنوان مغزهای متفکر تصمیم‌ساز و نهادها به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در اجرا می‌توانند حرکت جامعه و درنهایت، حاکمیت را تحت تأثیر قرار دهند. در نظام اسلامی مشروعیت اقدام نهادهای حکومتی بر پایه‌های ارزش‌های اسلامی قرار داشته و براساس سه محور ایمان، عدالت و ولایت‌مداری قرار دارد.

ناجا به‌عنوان یکی از نهادهای امنیت‌ساز در جامعه اسلامی با توجه به این سه محور نیازمند تبیین و تفسیر از امنیت در حوزه مأموریتی خود است؛ اگرچه این مهم در قانون و تدابیر ابلاغی آشکارا بیان شده، ولی به نظر می‌رسد ناجا در ساخت امنیت نیاز به معماری جدید در حوزه مأموریت خود دارد. مطالبه امنیتی توده در نخستین نگاه برآمده از جایگاه بالای امنیت در سلسله‌مراتب نیاز جامعه انسانی است (ر. ک. رضائیان، ۱۳۹۴: ۳۲۱). انعقاد قرارداد با دولت

در تأمین امنیت در همین زمینه به عنوان یکی از مهم‌ترین خواسته‌های توده در قبول حاکمیت امنیت‌ساز است (ر. ک. هابز، ۱۳۹۰: ۲۱) و چنانچه این مهم توسط حاکمیت به نحو مطلوبی اجرا نشود، می‌تواند نارضایتی توده و درنهایت، بحران‌های سیاسی-اجتماعی را در پی داشته باشد. ناجا به دلیل ارتباط مستقیم با توده نیازمند سرمایه‌گذاری معنوی بیشتری در مقام مقایسه با هر سازمان دیگری است. مطالبات امنیتی مردم از ناجا مرکز ثقل دلیل پرداختن به این موضوع است. این مهم ارتباط مستقیم با عملکردگرایی ناجا در اجرای اهداف و امنیت‌سازی دارد و انتظار عملکرد بالا از ناجا به دلیل مشارکت مستقیم کارکنان این نیرو در امنیت‌سازی و درنهایت، افزایش ضریب امنیتی جامعه، میل توده به افزایش همکاری با ناجا را بالا برده و ناجا را به عنوان سازمانی نوع‌دوست در بین جامعه از دیگر سازمان‌ها متمایز خواهد کرد. نوع‌دوستی به معنای افزایش روابط انسانی و حمایت از آن‌ها بر این تأکید دارد که سازمان در فرهنگ‌سازی روابط دوستانه و صمیمانه را در اولویت قرار دهد (House et al. 2002: 112). به همین دلیل، ناجا نیازمند ساخت سازه‌ای مستحکم در حوزه معماری امنیتی بوده و شایسته است، باتوجه به باورها و هنجارهای دینی و ملی، ساختی استحکام‌بخش را در ترسیم هندسه قدرت مورد توجه قرار دهد.

در این ساخت، باورها و هنجارهای دینی پیش‌شرط امنیت‌سازی در مأموریت‌های ناجا خواهد بود و رعایت آن امنیت‌سازی را به عنوان دالی برجسته در مرکز دیگر دال‌های استحکام‌بخش، امنیت را در کنار خود قرار می‌دهد. لازمه این اقدام اتخاذ راهبردی شفاف، متقن و مستحکم براساس باورهای دینی، ملی و انقلابی و همچنین، اصول مندرج در قانون اساسی و در چهارچوب تدابیر و فرموده‌های فرمانده معظم کل قوا و اندیشه‌های ولایت است. از این رو، می‌توان گفت ناجا در محیط امنیتی ایران، به عنوان یکی از نهادهای رسمی حکومت اسلامی، بخشی از رژیم امنیتی حاکمیت در نظام اسلامی را شکل داده و در قانون نهادهای رسمی حکومت اسلامی قرار دارد. به همین دلیل، نیازمند ساخت زنجیره هم‌ارزی در ساخت سازه‌های امنیتی برای امنیت‌سازی است. با هدف استحکام‌بخشی به این ساخت باید دال‌های مشخص امنیت‌ساز را مفصل‌بندی و در کنار هم قرار دهد. عناصر اصلی و سازه‌های این مفصل در عمل به عنوان ابعاد تشکیل دهنده امنیت در محورهای زیر می‌تواند این زنجیره هم‌ارزی را شکل داده و استحکام بخشد:

الف) اعتمادسازی: در اعتمادسازی نخستین اقدام و مهم‌ترین گام عدالت‌طلبی است. اعتدال در اجرای اقدامات به مثابه کانون و مرکز ثقل عدالت، افزون‌بر افزایش محبوبیت ناجا در بین

عموم، می‌تواند اعتمادسازی توده به تلاش‌های عدالت‌خواهانه ناجا را ارتقا بخشیده و روابط دو طرف را با همکاری‌های دوجانبه افزایش دهد. رسیدن به این هدف نیازمند فرهنگ‌سازی در مجموعه داخلی ناجا و در ادامه بستر جامعه است:

۱- فرهنگ‌سازی در حوزه داخلی؛ در نگاه نخست، به عمل و اقدام مسئولان ناجا و در ادامه مربوط به کارکنان ناجاست. توجه ویژه به انتصاب افراد در مشاغل باتوجه‌به ویژگی‌های شخصیتی همچون ولایت‌مداری، عدالت‌طلبی و صداقت و توانمندی‌های مدیریتی و حرفه‌ای مانند تجربه، تخصص و مهارت می‌تواند نقش مهمی در بالندگی و پویایی توانمندی‌های ناجا داشته باشد. فرهنگ‌سازی در حوزه داخلی باتوجه‌به باورهای ارزشی و دینی به‌عنوان مرکز تلاش‌های امنیتی و باور به وظیفه خطیر مأموریت ناجا برای تمام کارکنان الزامی و ضروری است. در ساخت این فرهنگ، نقش فرماندهی، عقیدتی-سیاسی و حفاظت اطلاعات برجسته بوده و می‌تواند در استحکام لایه‌های درونی قدرت نقش بی‌بدیلی داشته باشد. دومین لایه در استحکام فرهنگ‌سازی از طریق بخشنامه‌ها و تدابیر ابلاغی و پایش لازم به منظور اجرای صحیح اقدامات است. در این حوزه مأموریت بخش‌های مرتبط با کنترل و پایش مأموریت ناجا اقدام مهمی است که می‌تواند توانمندی مدیران و فرماندهان را در اجرای بهینه اقدامات به اثبات برساند. به‌همین دلیل، نقش فرماندهان و مدیران میانی در این بخش از فرهنگ‌سازی بسیار اهمیت دارد. فرمانده باتوجه‌به مواردی چون برنامه‌ریزی منطقی در نحوه به کارگیری نیروها، توجه به شایسته‌سالاری در انتخاب افراد، شناخت و آگاهی از شیوه و شگرد دشمن، بینش قوی و صحیح در ارتباط با حوزه کاری، تأمین امنیت شغلی و حمایت معنوی و مادی از نیروها در فرهنگ‌سازی و ارتقای استحکام درونی قدرت نقش مؤثری داشته باشد.

۲. فرهنگ‌سازی در حوزه خارجی را می‌توان توفیق ناجا در محیط امنیتی کشور دانست. محیط امنیتی در این مفهوم، گستره جغرافیایی داخل کشور بوده و لایه‌های مأموریت ناجا را شکل می‌دهد. این لایه از کوچک‌ترین نهاد، یعنی خانواده، آغاز و به بزرگ‌ترین آن، یعنی جامعه، مربوط می‌شود. مطالبات امنیتی مردم از ناجا دلیل اصلی فرهنگ‌سازی با هدف اعتمادسازی بین مردم و ناجاست. این فرهنگ زمانی می‌تواند مؤثر باشد که اعتماد از مأموریت و تلاش ناجا برای ساخت امنیت به صورت امری نهادینه شده در جامعه گسترش یافته باشد. برای این منظور استفاده از رسانه‌های جمعی، و حضور مقتدرانه در فضای مجازی با هدف آشنایی مردم با تلاش‌های ناجا در امر امنیت‌سازی اقدامی مؤثر است که می‌تواند مورد توجه

قرار گیرد، ولی کافی نیست. برای تکمیل این اعتمادسازی اثبات تلاش‌های ناجا به صورت عملی در بین توده مردم باید انجام شود. در این عمل اثبات از خودگذشتگی‌ها و ایثارگری کارکنان ناجا با حضور در بین ملت امکان‌پذیر خواهد شد. در این راه دفاع از امنیت عمومی در برابر هرگونه ناامنی که با هدف برهم‌زدن نظم و آرامش عمومی انجام می‌شود، مهم‌ترین اقدام ناجا برای اثبات اعتمادسازی در حوزه فرهنگ فراسازمانی در بین توده است. مهم‌ترین ثمره افزایش اعتمادسازی، افزایش همکاری اطلاعاتی در حوزه‌های مختلف امنیت‌سازی توسط، به‌ویژه در برابر هرگونه ناامنی ناشی از تهدید علیه امنیت ملی، است. این اقدام به واسطه تأثیر مستقیم در کنش‌های گفتاری و رفتاری توده مردم، می‌تواند مهم‌ترین گام در استحکام بخشیدن به لایه‌های امنیت در هندسه قدرت، ناجا را به عنوان امین مردم در مطالبات امنیتی معرفی کند.

در مجموع، می‌توان اذعان داشت همراهی بخش‌های کشور برای قدرت‌سازی و دفاع همه‌جانبه با فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر است. وضع مطلوب قرار گرفتن در وضعیتی است که در آن ناجا حداقل چهار نقش را در هندسه قدرت داشته باشد. این چهار مورد، نقش تولیدی در ساخت امنیت و نقش اجرایی در دفاع از امنیت، نقش ابداعی در چگونگی ایجاد امنیت و نقش ترکیبی در جامعه هدف دارند. لازمه توفیق در هرکدام از نقش‌ها نیازمند توجه به موضوعات و محورهایی است که می‌توان آن‌ها را براساس تدابیر و اوامر فرمانده معظم کل قوا از راه توجه به مواردی چون مدیریت جهادی، شایسته‌سالاری، قانون‌مداری، توجه به سرمایه اجتماعی در نظام هم‌ارزی گفتمان امنیتی ناجا، عوامل اعتمادساز، معنویت‌ساز و رفتارساز را مفصل‌بندی نمود.

ب) معنویت‌سازی: این اقدام بیشتر در حوزه داخلی و در بین کارکنان نمود داشته و می‌تواند در خلق کنش‌های ایثارگری در بین عموم کارکنان نقش محوری ایفا کند. معنویت‌سازی اگرچه در نگاه نخست مربوط به بخش‌های مرتبط با ترویج تفکر و اندیشه انقلاب اسلامی و باور به اندیشه‌های اسلام ناب محمدی و از جمله عقیدتی-سیاسی واحدهای ناجاست، اما نقش فرماندهی و مدیران عالی و میانی در استحکام‌بخشی به این معنویت بسیار سازنده و مهم است که می‌تواند آینده معماری ناجا را در هندسه‌سازی قدرت برای امنیت هدف‌ساز بیمه کند. فرماندهی، باید افزون بر نقش مدیریتی، توان رهبری مجموعه را داشته باشد؛ در صورتی که

این مهم مورد توجه قرار گیرد، معنویت‌سازی در سازه‌های قدرت جایگاه استحکام‌بخش خود را حفظ خواهد کرد. در این زمینه، توجه به تدابیر و فرمایشات فرمانده معظم کل قوا، حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی، به‌عنوان چراغ راه فرماندهان و مدیران استحکام‌بخش معنویت‌سازی در روابط فرماندهی با نیروها خواهد بود: «با مجموعه تحت فرمان خودتان رفتارهای کاملاً مهربانانه و پدران به خرج دهید و آنها را رهبری کنید. فرماندهی یعنی فقط امر و نهی کردن، اما رهبری یعنی هدایت کردن عملی، رهبری با راهنمایی فرق دارد. . . . صرفاً نمی‌شود بر قسمت‌ها فرمان راند، اگر خواستید بر دل‌ها فرمان برانید، باید عنصر رهبری را در زیرمجموعه خودتان تأمین کنید. . . . کاملاً هم می‌شود آن فرماندهی را حفظ کنید. در عین حال، با دل مهربان و پدران در کنار آنها قرار بگیرید تا سایه قدرتمند شما را در کنار خودشان ببینند و حس کنند و از آن لذت ببرند. . . . در گزینش زیردستان و انتصاب مأموران، در درجه اول به ایمان آنها توجه کنید، نه اینکه وقتی دیدید کسی ایمان دارد، بقیه معیارها را نادیده بگیرید و یک آدم بی‌کفایت، شل و ولی را به صرف داشتن ایمان سر کار بیاورید» (۱۳۸۴/۱/۱۶).

در کنار ایمان و توانمندی مدیریتی، ویژگی‌های شخصیتی و توان اعتمادسازی مدیران و فرماندهان در بین کارکنان و تلاش برای تأمین نیازمندی‌های مادی و معنوی کارکنان نیز شایسته رسیدگی و توجه عمیق و دقیق است. آسیب‌پذیری‌های معنوی ربط وثیقی با نیازهای فیزیکی و تأمین معیشت کارکنان دارد و چنانچه مورد توجه قرار نگیرد، مأموریت‌های واگذاری در حوزه امنیت‌سازی مورد هدف قرار گرفته و امنیت‌سازی با چالشی جدی روبه‌رو می‌شود. به‌همین دلیل، عوامل شکننده امنیت غیر مستقیم با موارد معیشتی ارتباط داشته و می‌تواند حتی در سبب تبلیغاتی دشمن بیشترین بار روانی را در تضعیف روحیه و انگیزه نیروها داشته باشد.

در حوزه فراسازمانی، اگرچه معنویت‌سازی در جامعه در حیطه وظایف ناجا قرار ندارد، اما ناجا به دلیل داشتن ظرفیت‌هایی که در گفتمان‌سازی از آن به‌عنوان قابلیت دسترسی یاد می‌شود، به دلیل حضور گسترده در پهنه جغرافیایی کشور، می‌تواند نقش مهمی در استقرار معنویت‌سازی در جامعه داشته باشد. حضور در دورترین نقاط کشور، به‌ویژه در مناطق مرزی،

و نیز حضور در مناطق محروم و در بین طبقات آسیب‌پذیر در این مناطق، نیازمند طراحی الگویی استحکام‌بخش در حوزه معنویت‌سازی است. هرچه این معنویت‌سازی از استحکام بیشتری داشته باشد، ضریب امنیتی کشور و درنهایت، دفاع از مطالبات امنیتی جامعه افزایش خواهد یافت. در این الگو توجه به مواردی چون حضور مداوم در سرد و گرم زندگی توده، دفاع از اندیشه‌های عدالت‌طلبی، عدالت‌خواهی با اقدامات ایثارگریانه در دفاع از امنیت، می‌تواند گام مؤثری در ترسیم معنویت‌سازی تلقی شود. ثمره این معنویت‌سازی، افزایش اعتمادسازی مردم نسبت به مأموریت‌های امنیت‌ساز ناجا محسوب شده و به افزایش محبوبیت و درنهایت، افزایش باور مردم نسبت به صداقت و ایثارگری‌های ناجا منجر خواهد شد.

ج) رفتارسازی: رفتار به معنای عمل‌گرایی، نمود عینی در حوزه کاری داشته و می‌تواند الگوسازی را در ترسیم هندسه قدرت به معرض نمایش بگذارد. این مهم از دو منظر توجه‌برانگیز است. یکی در حوزه داخلی که مربوط به کارکنان سازمانی است و دوم، مربوط به حوزه برون‌سازمانی که مربوط به جامعه است:

۱. درون سازمانی: این مهم با ساخت سازه‌های فکری کارکنان امکان‌پذیر است. برای این ساخت مهم‌ترین گام از راه معنویت‌سازی امکان‌پذیر است. معنویت‌سازی با ایدئولوژی حاکم بر کشور در ارتباط بوده و از طریق باورها و ارزش‌های معنوی مرتبط با دین و مذهب حاصل می‌شود و هسته مرکزی رفتارسازی را تشکیل می‌دهد. این هسته، استحکام خود را از طریق باور به ارزش‌های مذهبی به دست می‌آورد. باور کارکنان به این ارزش‌ها و رعایت آن در اجرای مأموریت، نقطه کانونی هندسه قدرت را در رفتارسازی تشکیل داده و به دلیل ربط وثیق با مؤلفه‌های صداقت و عدالت می‌تواند به گستره فرهنگ‌سازی عدالت‌محور در سازمان کمک کند. دومین محوری که در رفتارسازی نقش دارد، صدور شیوه‌نامه‌ها و بخشنامه و نظارت به اجرای بهینه آن است. این بخش به‌عنوان پوسته رفتارسازی، حول هسته مرکزی، که همان اصول و ارزش‌های حاکم بر سازمان است، حاشیه امنیت‌ساز برای هسته مرکزی است و هدایت‌ساز اقدامات کارکنان در مسیر درست خواهد بود؛

۲. **برون‌سازمانی:** این اقدام به دلیل ارتباط با توده مردم اهمیت بالایی دارد و می‌تواند ناجا را به‌عنوان سازمانی امین به جامعه معرفی کند. هرچه رفتارسازی درون‌سازمانی، با توجه به آنچه که به آن اشاره شد، استحکام بیشتری داشته باشد، ثمره آن در حوزه برون‌سازمانی، به دلیل اسوه‌سازی، بیشتر خواهد شد. تلاش مأموران ناجا در اجرای مأموریت و مشاهدهٔ ایثارگری‌های کارکنان در سطح جامعه توسط ملت، الگوبرداری‌های صداقت‌ساز و عدالت‌محور را در سطح جامعه، به‌ویژه در بین نیروهای جوان به‌عنوان سرمایه‌های اصلی، گسترش داده و کنش‌های رفتاری این طیف را در سازه‌های مفصل‌بندی شدهٔ عدالت‌محوری و ایثارگری سامان‌دهی نموده و در سطح جامعه رواج می‌دهد. استحکام این سازه به صداقت کارکنان ناجا و گسترهٔ اندیشهٔ عدالت‌محوری در مأموریت‌های محوله منوط است.

دیگر ابعاد تأثیرگذار در هندسهٔ قدرت برای ساخت معماری ناجای آینده در نظر با توجه به محورهای زیر به دست آمده و می‌تواند در استحکام لایه‌های امنیت‌ساز نقش مهمی داشته باشد: الف) سرمایهٔ اجتماعی: سرمایهٔ اجتماعی با برجسته‌سازی مؤلفه‌هایی مانند اعتماد، همدلی، همکاری، مشارکت، شبکه‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و ... قدرت ملی را افزایش خواهد داد. این مهم در صورت مدیریت فرهنگ و مهندسی فرهنگ هندسهٔ قدرت را در معماری آیندهٔ ناجا استحکام خواهد داد. از معیارهای اصلی در سرمایهٔ اجتماعی شکل و شیوهٔ روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و نحوهٔ هم‌زیستی آن‌ها و احساس مردم نسبت به حکومت و مردم است و داشتن احساس خوشایند نسبت به امنیت، پیوندهای خانوادگی و اجتماعی و امیدواری نسبت به آینده نقش تعیین‌کننده دارد. چهار رکن سرمایهٔ اجتماعی شامل اعتماد، اعتبار، وفاداری و امید است (افتخاری، ۱۳۸۷). مدیریت و نهادینه کردن این عناصر و نمادهای اجتماعی که از بطن اجتماع و فرهنگ ظهور نموده‌اند، موجبات تولید و بازتولید قدرت ملی می‌شود که تجلی عینی آن، مشارکت مسئولانه و آگاهانه و نهادمند افراد و گروه‌ها در همهٔ امور مربوط به جامعه است. ناجا به دلیل ارتباط مستقیم با مردم نخستین لایهٔ تشکیل‌دهندهٔ لایه‌های مشارکت‌ساز در جامعه است و می‌تواند از طریق اعتمادسازی و اعتبارسازی، وفاداری و امید را در بین جامعه نسبت به خود و درنهایت، سامانهٔ امنیت‌ساز افزایش داده و نقش مهمی در تأمین امنیت کشور داشته باشد. اگر این مهم مورد توجه قرار گیرد، جامعه هدف، که در این تحلیل تودهٔ مردم هستند، در

برابر همه شئون جامعه احساس مسئولیت کرده و می‌کوشند از این رهگذر و با تکیه بر نمادهای نظام فرهنگی مطلوب، منافع ملی و جمعی را در کنار منافع فردی خویش مورد توجه قرار دهند. در نهایت، این اقدام به واسطه تأثیر مستقیم بر افزایش همکاری مردم با ناجا می‌تواند به افزایش ضریب امنیتی جامعه منجر شود.

ب) قانون‌مداری: وحدت‌رویه و برنامه‌ریزی مناسب در خصوص ضابطه‌مداری، نظم و انضباط می‌تواند قدرت ناجا را تحت تأثیر جدی قرار دهد. ضابطه‌مداری، نظم و انضباط، محور اساسی استحکام هندسه قدرت در نیروهای مسلح از جمله ناجاست. تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه از جمله دلایل اصلی توجه به قانون‌مداری است. ایشان قانون‌مداری را در رد هرگونه سستی و بی‌مبالاتی دانسته و می‌فرمایند: «از هرگونه سستی و بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری و ولنگاری از طرف افراد و مأموران پایین دست به شدت جلوگیری کنند» (۱۳۶۷/۷/۵) ... ما با این تجربه (جنگ) و تجربه‌های دیگر، لازم است نیروهای مسلح را تقویت کنیم.

بر این اساس، می‌توان گفت ناجا به دلیل برخورد مستقیم با عوامل ایجاد ناامنی، توجه به رعایت قانون را باید سرلوحه اقدامات خود قرار داده و با تأکید بر آن، به‌عنوان عامل و مشوقی برای رعایت قانون برای دیگران باشد. این مهم افزون بر تأثیر در اعتمادسازی در بین مردم به نوعی در اصلاح رفتار جامعه نیز نقش دارد. قانون‌محوری نیاز به اسوه‌سازی دارد و ناجا، به‌عنوان یکی از نمادهای اصلی در اجرای قانون، می‌تواند در گسترش رعایت قانون‌محوری در جامعه نقشی پیشگام و سازنده داشته باشد. این مهم زمانی حاصل خواهد شد که ناجا، به‌عنوان عامل نظارتی در اعمال قانون، خود مستلزم به رعایت آن باشد. قانون‌محوری هم در حوزه درون‌سازمانی با عمل به شیوه‌نامه‌ها و تدابیر ابلاغی نخستین گام در ساخت قانون در حوزه داخلی است. در حوزه برون‌سازمانی نیز اجرای دقیق آن و کنترل در اجرای قانون می‌تواند از عوامل استحکام‌بخش لایه‌های قدرت در ناجا تلقی شده و معماری این نیرو را در فضای آینده ترسیم کند.

ج) مدیریت جهادی: این واژه به معنای تلاش مداوم، پرشور، ایثارگرانه و خستگی‌ناپذیر برای تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران است. مفهوم جهاد به معنای واژه‌ای مقدس در اندیشه‌های اسلامی، کوشش در راه خدا با تمام سرمایه‌های در اختیار انسانی در حوزه مادی

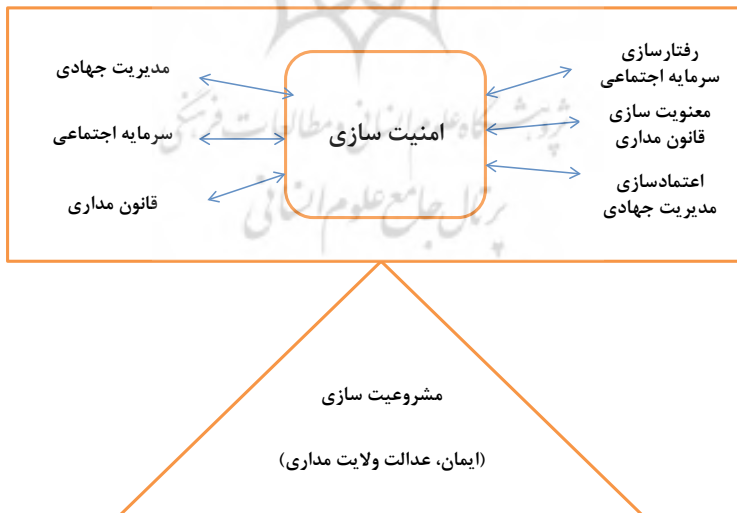
و معنوی است. ناجا به عنوان یکی از نهادهای پرتلاش در حوزه امنیت باید اقدامات جهادی را در عرصه مأموریت خود به کارگیرد. زیرساخت اقدام جهادی از طریق باور به ارزش‌های دینی، ملی و انقلابی و اعتقاد راسخ به برحق بودن تلاش‌های امنیت‌ساز برای ساخت جامعه‌ای به دور از ناامنی و در پرتو آرامش به دست خواهد آمد. اقدام جهادی برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران استحکام درونی قدرت را در سازه‌های امنیت‌ساز تقویت کرده و مشوقی برای فرهنگ‌سازی سازواره‌های امنیت‌ساز در دیگر حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد بود. این مهم در نیروهای مسلح، از جمله ناجا، به دلیل مأموریت حساس این نیرو در بخش دفاعی - امنیتی از اهمیت مضاعفی در مقام مقایسه با سازمان‌های دیگر برخوردار است.

فرموده‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در ساخت نیروی مسلح قوی و هوشیار می‌تواند به عنوان اقدامی جهادی در ناجا مورد توجه قرار گیرد. ایشان آمادگی نیروهای مسلح را در مواردی چون سازماندهی محکم و با کیفیت از طریق توجه به نیروی انسانی دانسته و با تأکید بر هوشیاری نیروهای مسلح می‌فرمایند:

«تقویت با ابزار مدرن و پیشرفته، تقویت با نگهداری و خودکفایی، تقویت با سازندگی در درون نیروهای نظامی و سازمان صنایع دفاع، تقویت با دانش کاری که شما در اینجا می‌کنید، تقویت با تجربه و آزمایش و تمرین دائمی و مستمر، تقویت با ایمان، که پشتوانه همه آنهاست» (۱۳۶۹/۸/۲۸) . . . «آمادگی نیروهای مسلح باید به گونه‌ای باشد که گویا فردا جنگ خواهد بود. دائم باید بیدار باشند . . . آمادگی‌تان در این چندچیز باشد، اولاً، سازماندهی‌ها هرچه می‌توانید محکم‌تر و با کیفیت‌تر باشد. اصل در نیروی انسانی و استفاده و کاربری نیروی انسانی سازماندهی است. دوم، کیفیت بخشیدن به نیروهای انسانی است. نیروی انسانی را رها نکنید. دائم اینها را پشتیبانی معنوی کنید . . . بعد مسئله ابزار است. کاری کنید که در درون نیروهای مسلح به کسی محتاج نباشید» (۱۳۷۴/۱/۳۰) . . . «در این سه جهت (دین و اخلاق، استقلال، کارآیی) بازسازی و حرکت کنید. هر کاری می‌خواهید بکنید، این سه رکن را در حرکت خودتان در نظر داشته باشید» (۱۳۷۶/۱/۲۷).

فرموده‌های فرمانده معظم کل قوا در حوزه مدیریت جهادی را می‌توان در دو محور فردی و سازمانی مورد توجه قرار داد. در حوزه فردی توجه به باورها و ارزش‌ها و تلاش برای ساخت نگرشی متناسب با آموزه‌های دینی و در محور سازمانی باتوجه‌به فرهنگ و ساختار و چگونگی اجرای وظایف محوله براساس قانون و مأموریت ابلاغی اساس مدیریت جهادی در ناجا خواهد بود که باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد.

با عنایت به محورهایی که در این مقاله به آن پرداخته شد، می‌توان گفت الگوی هندسه قدرت برای معماری ناجای آینده باتوجه‌به دو محور اشاره شده در نظر شامل مدیریت جهادی، سرمایه اجتماعی و قانون‌مداری و در عمل شامل رفتارسازی، اعتمادسازی و معنویت‌سازی به دست می‌آید. پایه اساسی و محوری این دو در مشروعیت‌سازی و باتوجه‌به سه محور ایمان، عدالت و فضیلت می‌تواند نقطه کانونی و مرکز ثقل امنیت‌سازی برای ناجای آینده باشد. مفصل‌بندی امنیت‌سازی نیز در نظر، از طریق توجه به سه محور سرمایه اجتماعی، قانون‌مداری و مدیریت جهادی و در عمل، از طریق رفتارسازی، معنویت‌سازی و اعتمادسازی طبق مدل زیر می‌تواند هندسه قدرت را در معماری ناجای آینده ترسیم کند.



نتیجه‌گیری

هندسه قدرت را می‌توان نوعی آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری درباره محیط آینده براساس آرمان، اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی و به تبع نهادهای حاکمیتی تعریف نمود که برای رسیدن به اقتدار نیازمند مشروعیت‌سازی است. سه محور اساسی مشروعیت‌سازی عدالت، اعتدال و فضیلت است. عدالت در اجرای اقدامات به معنای حق هرکسی را به اندازه شایستگی او دادن و رعایت اعتدال در اجرای وظایف به معنای پرهیز از برخورد تند یا سهل‌انگاری در اجرای وظایف و فضیلت به معنای تقدم خیر عمومی بر منافع فردی است. این سه به‌عنوان عوامل مشروعیت‌ساز، جوهره امنیت‌سازی در ناجا را شکل داده و معماری آینده این نیرو در حوزه امنیت‌سازی ترسیم می‌نماید. امنیت‌سازی به معنای مردمی کردن امنیت، و احساس آرامش و نبود تهدید با اعتقاد بر تقدم پیشگیری اجتماعی بر پیشگیری امنیتی و انتظامی مهم‌ترین موضوعات توجه‌برانگیز با هدف عبور از مرحله اقلان اجتماعی در هدایت و اثرگذاری رفتار اجتماعی گام‌های تأثیرگذاری در امنیت‌سازی را شکل داده و در صورت اجرای صحیح می‌تواند دال‌های امنیت‌ساز شامل اعتمادسازی، معنویت‌سازی، رفتارسازی را مفصل‌بندی و به استحکام هندسه قدرت منجر شده و گفتمان امنیتی ناجا را براساس نیاز امنیتی کشور شکل دهد. ناجا برای رسیدن به این هدف شایسته است اقدامات لازم در حوزه ساخت معماری آینده را با توجه به موارد یاد شده و براساس نوع مأموریت و وظایف خود با گفتمان‌سازی در محیط داخلی ناجا و محیط خارجی (جامعه) دنبال نماید. اگر این گفتمان اصول استحکام‌بخش خود در مشروعیت‌سازی شامل عدالت، اعتدال و فضیلت را رعایت کند، می‌تواند نیاز حاکمیت و توده مردم را برآورده سازد.

در جمع‌بندی نهایی و براساس محورهای برآمده در این مقاله می‌توان گفت ناجا به‌عنوان یکی از ارکان امنیت‌ساز نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل تأثیر مستقیم بر امنیت جامعه و درنهایت، امنیت حاکمیت، نیازمند الگویی امنیت‌ساز است. در این الگو امنیت به‌عنوان دال مرکزی باید خودنمایی کرده و دیگر دال‌ها را در زنجیره هم‌ارزی مناسبی مفصل‌بندی نماید. امنیت در مرکز این مفصل به‌عنوان نقطه کانونی باید محورهای تأثیرگذار در امنیت را در کنار خود قرار دهد. استحکام این زنجیره با توجه به مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی امکان‌پذیر بوده و تمام دال‌های همراه زمانی می‌تواند در این زنجیره همبستگی با امنیت ایجاد کند که

به این موارد توجه داشته باشد. زمانی که این مهم حاصل شود، معماری ناجا در مسیر خود قرار گرفته و می‌تواند با تعریفی از سازه‌های امنیت‌ساز کنش‌گفتاری و رفتاری خود و توده را در مسیر آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران استحکام بخشیده و سازه‌های ناامنی‌ساز را در حاشیه قرار دهد.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). تقریرات درسی دوره دکتری تهدیدات امنیت ملی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ---- (۱۳۸۸). «معنا و مقام امنیت نرم در گفتمان اسلامی»، کتاب امنیت نرم، تهران، دانشکده امام هادی (ع).
- بیانات امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، تارنمای: www.kameneh.ir.
- تافلر، الوین (۱۳۷۰). تغییر ماهیت قدرت، ترجمه شاهرخ بهار و حسن نورانی، تهران، کتاب.
- حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۹). اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید.
- حقیقت، صادق (۱۳۸۸). روش‌شناسی در علم سیاست، قم، دانشگاه مفید.
- رضائیان، علی (۱۳۹۴). مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سمت.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶). تهدیدات و امنیت ملی، تهران، مؤسسه ابرار معاصر.
- لوکس، استیون (۱۳۷۵). قدرت: نگرش رادیکال، ترجمه عماد افروغ، تهران، رسا.
- مک کین لای، آردی و لیتل، آر (۱۳۸۰). امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- نای، جوزف (۱۳۹۲). قدرت نرم، ترجمه محمود عسگری، تهران، صیاد شیرازی.
- هابز، تامس (۱۳۸۹)، لویاتان، تهران، امیرکبیر.

- Cazier J. A, Shao B. M & Louis. R. D. St, (2007), *Sharing information & building trust through value congruence*, Published online: 2 October 2007 # Springer Science + Business Media, LLC 2007.

- McAllister, D. J. (1995), *Affect- & cognition-based trust as foundations for interpersonal cooperation in organizations*, Academy of Management Journal, 38(1),

24-59

- Tyler. R, (2003), *Trust within organizations*, Personnel Review 32 (5), 556-568
- Velez L, Sanchez M, Alvarez-Dardet A, (2008), *Management control systems as inter-organizational trust builders in evolving relationships*: Evidence from a longitudinal case study, Accounting, Organizations & Society 33 (2008) 968–994
- Anderson. A. (1994). *Effective organizational behavior*, first edition, Blackwell publishers
- Coleman, J. S. (1990), *Social capital in the creation of human capital*, American Journal of Sociology, 94, S95-S120.
- Fukuyama, Francis (1999), “*Social Capital and Civil society*”, IMF conferences on second Generation Reforms, www. IMF. com \base\Prepared for delivery at IMF \social capital and civil society. Htm.
- House. R. J, Hanges. P. J, Javidan. M, Dorfman. P. W, Gupta. V (2004). *Culture, leadership & organizations*: The GLOBE study of 62 Societies. Sage Publications Inc
- Javidan, M. House, R. (2001) *Cultural Acumen for the Global Manager*: Lessons from Project GLOBE, Organizational Dynamics, 29(4), 289–305.
- Joy, S. Kolb, D. (2009). *Are there cultural differences in learning style?* International Journal of Intercultural Relations, 33, 69–85
- Kawachi, I. Kennedy, B. P, (1997), *Health and social cohesion*: why care about income inequality / British Medical Journal 314, pp. 1037-1040
- Lodgegard. S (1987). *Overcoming Threats to Europe: A New Deal for Confidence & Security*. Oxford.
- Nye. Joseph, (2004). “*Soft power Public Affairs*”. Persian. usinfo. state. gov.
- Putnam, Robert (2005), «*Social Capital: Measurement and Consequences*», Kennedy School of Government, Harvard University.
- Robbins. S. P, (2005), *Essentials of organizational Behavior*, Prentice Hall, 7/e



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی